Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

تأثیر تعدیل‌کنندگی آشفتگی‌مالی بر رابطه بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی

علی محمدی[۱]
زهرا رنجبرپور[۲]
سمانه سعیدآبادی[۳]

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۳
تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۲۳

چکیده

مدیران دارای سطوح بالای توانایی، دارای مهارت‌های مختلف (از جمله مهارت‌های حسابداری) بیشتری بوده و می‌توانند کیفیت گزارشگری مالی را افزایش دهند. با افزایش کیفیت گزارشگری مالی، ریسک برآوردی واحد تجاری توسط حسابرسان کاهش پیدا کرده و طبق فرضیه ریسک دعاوی حقوقی، حسابرسان حق‌الزحمه کمتری را برای چنین شرکت‌هایی مطالبه می‌کنند. به عبارت دیگر با افزایش توانایی مدیریت، حق‌الزحمه حسابرسی کاهش می‌یابد. اما در شرایطی که شرکت‌ها در وضعیت آشفتگی مالی قرار دارند، احتمال دارد که مدیران از توانایی خود به صورت فرصت طلبانه استفاده کنند و سعی در تقلب در گزارشگری مالی داشته باشند که این موارد ریسک شرکت را افزایش داده و به طبع تاثیرگذاری توانایی مدیریت بر حق‌الزحمه حسابرسی تضعیف می‌گردد. بر این اساس، هدف مطالعه حاضر، بررسی تأثیر تعدیل‌کنندگی آشفتگی‌مالی بر رابطه بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، داده‌های ۷۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۹۵-۱۳۹۰) با استفاده از تحلیل رگرسیون با رویکرد داده‌های ترکیبی تحلیل شده است. یافته‌ها حاکی از رابطه معکوس و معنادار بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که آشفتگی مالی، رابطه منفی بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی را تضعیف می‌کند.

کلمات کلیدی: آشفتگی مالی، توانایی مدیریت، حق‌الزحمه حسابرسی، ریسک حسابرسی.

۱. استادیارحسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، زنجان، ایران. (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: ali_mohammadi93@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان.
۳. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان.

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

۱. مقدمه

بر اساس مطالعات و ادبیات پژوهش، توانایی مدیریتی[1] تأثیر مطلوبی بر سیاست‌های شرکت و گزارشگری مالی دارد (جی و همکاران، ۲۰۱۱). به عنوان نمونه، دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبتی بین توانایی مدیریت و کیفیت بالای گزارشگری مالی وجود دارد. در همین راستا، کریشنان و وانگ (۲۰۱۵) نیز شواهدی را ارائه کرده‌اند که توانایی مدیریتی، کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این دلاپورتاس (۲۰۱۳) نیز اشاره می‌کند که مدیران تواناتر، درک بهتری از شیوه‌های گزارشگری مالی دارند و بدینوسیله می‌توانند ریسک شرکت را کاهش دهند.

طبق «فرضیه ریسک دعاوی حقوقی و حق‌الزحمه حسابرسی[2]» (سیساماران و همکاران، ۲۰۰۲) حق‌الزحمه حسابرسی با افزایش ریسک دعاوی حقوقی، افزایش یافته و با توجه به اینکه حسابرسان همواره از اطلاعات داخلی شرکت‌ها برای ارزیابی ریسک پروژه حسابرسی استفاده می‌کنند. بنابراین با افزایش توانایی مدیریتی، کیفیت گزارشگری مالی افزایش پیدا کرده و در ادامه ریسک پروژه حسابرسی کاهش پیدا کرده و در نهایت، حق‌الزحمه حسابرسی کاهش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی، هدف اول این پژوهش می‌باشد.

آشفتگی مالی[3] شرایطی را برای مدیران فراهم می‌کند تا به صورت فرصت‌طلبانه[4] رفتار نمایند. به اعتقاد بیسانست و ورانسنا (۲۰۰۹)، شرایط دشواری مالی شرکت‌ها، مدیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آنها را وادار می‌کند تا اقداماتی را انجام دهند که انتظارات بازار و تحلیل‌گران را پوشش داده و مزایای کوتاه‌مدت خود را نیز افزایش دهند. همچنین در این راستا، ولف و هرمانسون (۲۰۰۴) نیز استدلال می‌نمایند که ویژگی‌ها و توانایی‌های ذاتی به مدیران اجازه می‌دهد که یک فرصت تقلب را شناسایی و پیاده‌سازی کنند. همچنین گل و همکاران (۲۰۱۸) معتقدند که هنگام وجود آشفتگی مالی در شرکت‌ها، مدیران دارای سطوح بالای توانایی نسبت به سایر مدیران، با استفاده از هوش و تخصص بالا، در موقعیتی قرار می‌گیرند که از فرصت‌های تقلب استفاده کنند. بنابراین در چنین وضعیتی، حسابرسان ریسک شرکت را بالاتر از حد معکول برآورد می‌نمایند و در نهایت حق‌الزحمه حسابرسی را برای پوشش این ریسک بالا می‌برند. به عبارت دیگر، هدف دوم پژوهش، بررسی تأثیر تعدیل‌کنندگی آشفتگی‌مالی بر رابطه بین توانایی مدیریتی و حق‌الزحمه حسابرسی است.

در داخل کشور نیز مطالعات متعددی در زمینهٔ عوامل مؤثر بر حق‌الزحمهٔ حسابرسی انجام شده است. اغلب پژوهش‌های داخلی به بررسی تأثیر موضوعات ریسک حسابرسی و سازوکارهای نظام راهبری بر حق‌الزحمهٔ حسابرسی پرداخته‌اند (حساس‌یگانه و همکاران، ۱۳۹۵؛ پورحیدری

1. Managerial Ability
2. Litigation Risk-Audit Fee Hypothesis
3. Managerial Ability
4. Opportunistically

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

و گل‌محمـدی شـورکی، ۱۳۹۴). برای نمونـه، نیکبخت و تنانی (۱۳۸۹) نشـان دادند که اندازهٔ شرکت، پیچیدگی عملیات شرکت، نوع مؤسسهٔ حسابرسی و تورم، ارتباط معناداری با حق‌الزحمهٔ حسابرسـی دارند. همچنین حسـاس‌یگانه و همکاران (۱۳۹۴) تأثیـر بیش‌اطمینانی مدیریت را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شـخصیتی مدیران بر حق‌الزحمهٔ حسابرسـی مطالعه کرده و دریافتنـد که بیـن بیش‌اطمینانی مدیریت و حق‌الزحمهٔ حسابرسـی رابطـهٔ منفی و معناداری برقرار اسـت. لاری‌دشت‌بیاض و اورادی (۱۳۹۶) نیز نشان دادند که شرکت‌هایی دارای مدیرعامل متخصص مالی، نسبت به سایر شرکت‌ها حق‌الزحمهٔ حسابرسی کمتری پرداخت می‌کنند. همچنین درباره تأثیر توانایی مدیریت بر حق‌الزحمه حسابرسی (هدف اول این پژوهش) دو مطالعه در داخل کشور انجام گردیده است. نتایج مطالعه فرج زاده دهکردی و حیدری (۱۳۹۶) بیانگر این موضوع اسـت که با افزایش میزان توانایی مدیران، حق‌الزحمه حسابرسـی و احتمـال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی واحد تجاری کاهش می‌یابد. یافته‌های حسنی القار و سدیدی (۱۳۹۶) نیز بیانگر این موضوع است که اندازه مؤسسه حسابرسی رابطه منفی بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسـی را تضعیف می‌کند. وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های اشـاره شده این موضوع می‌باشد که اولاً، در این پژوهش به مطالعه تأثیر تعدیل‌کنندگی آشفتگی‌مالی بر رابطه بین توانایی مدیریتی و حق‌الزحمه حسابرسی پرداخته شده و همچنین با توجه به نتایج متناقض پژوهش‌های گذشـته سعی می‌شود تا به مقایسـه نتایج مطالعات مختلف پرداخته شده و نگرش جامع‌تری نسبت به حوزه مورد مطالعه پیدا کرد.

در حوزه تأثیر متغیرهای مختلف بر حق‌الزحمه حسابرسـی نیز می‌توان به پژوهش عزیزخانی و همکاران (۱۳۹۵) اشـاره کرد. آن‌ها بیان می‌نمایند که سیاسـت چرخـش اجباری حسـابرس یکـی از راهکارهایی اسـت کـه در برخی از کشـورها و از جملـه ایـران جهـت بهبـود استقلال حسـابرس و در نتیجـه افزایـش کیفیت حسابرسـی اتخاذ گردیـده اسـت. یکـی از دلایل مخالفان این اسـت کـه اجرای چنین سیاسـتی باعـث افزایش در هزینـه‌های حسابرسـی شـرکت‌ها می‌گـردد. بنابراین، یافته‌هـای پژوهش حاضر علاوه بـر اینکه می‌تواند ادبیات حـوزه مدیریتی، نظام راهبری و حق‌الزحمه حسابرسـی را گسـترش دهد (جنبه دانشـگاهی پژوهش)، همچنین این یافته‌ها می‌تواند مورد اسـتفاده حسابرسان به منظور بررسـی و ارزیابی ریسک و حق‌الزحمه حسابرسـی واحدهای تجاری مختلف مورد استفاده قرار گیرد (جنبه حرفه‌ای پژوهش). به عبارت دیگر، یافته‌های پژوهش این موضوع را نشـان می‌دهد که حسابرسان در شرکت‌های آشفته مالی، توجه و رسـیدگی‌های بیشـتر و دقیق‌تری نیـاز دارند. در ادامه مبانی نظـری و تجربی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش، روش‌شناسی و یافته‌های پژوهش ارائه شده است.

۲. مبانی نظری و تجربی و فرضیه‌های پژوهش

۲-۱. حق‌الزحمه حسابرسی

عوامل گوناگونی بر حق‌الزحمه حسابرسـی تاثیرگذار هسـتند، که به گفته حسـاس یگانه و

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

همکاران (۱۳۹۴) حق‌الزحمه حسابرسی، بر اساس ریسک برآوردی حسابرس از صاحبکار، رقابت در بازار حسابرسی و مذاکره بین حسابرس و صاحبکار تعیین می‌شود. حسابرس، هنگام برنامه‌ریزی حسابرسی باید خطر تحریف بااهمیت را شناسایی و برآورد کند. این عوامل بر توانایی حسابرس در کشف تحریف با اهمیت در صورت‌های مالی تأثیر می‌گذارد. معمولاً حسابرسان به منظور کاهش ریسک عدم کشف تحریف با اهمیت، شواهد بیشتری جمع‌آوری می‌کنند که این موضوع سبب افزایش هزینه حسابرسی می‌شود. حسابرسان معمولاً این هزینه را به صاحبکاران تحمیل می‌نمایند. سیمونیک (۱۹۸۰) در این رابطه بیان می‌کند با افزایش ریسک حسابرسی، حسابرسان حق‌الزحمه بیشتری مطالبه می‌کنند. در نهایت می‌توان بیان نمود که افزایش ریسک دعاوی حقوقی، منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود.

مطالعه ادبیات موضوعی نشان می‌دهد که ارتباط مثبتی بین برخی از مفاهیم ریسک و حق‌الزحمه حسابرسی وجود دارد. بنابراین، حسابرسان در تعیین حق‌الزحمه حسابرسی، مشخصه‌های ریسک صاحبکار خود را در نظر گرفته و ریسک‌های مربوط را از طریق حق‌الزحمه‌های حسابرسی بالاتر جبران می‌کنند. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که حسابرسان نباید صرفاً بر روی ریسک مربوط به صورتهای مالی تأکید کنند، بلکه باید دید وسیع‌تری نسبت به رفتار تجاری صاحبکار داشته باشند (بدارد و جانسون، ۲۰۰۱). ادبیات مربوط به عوامل تعیین کننده قیمت‌گذاری حسابرسی نشان داده است که حق‌الزحمه حسابرسی به عوامل ریسک مرتبط با ویژگی‌های صاحبکار از قبیل اندازه و پیچیدگی صاحبکار (سیمونیک، ۱۹۸۰ فرانسیز، ۱۹۸۴ پالمروس، ۱۹۸۴)، کیفیت کنترل داخلی (هوگ و هولینگزورس، ۲۰۱۱)، ریسک تجاری (بنتلی و همکاران، ۲۰۱۳) و راهبری شرکتی (زینگز، ۲۰۱۲) مرتبط است.

همچنین نتایج پژوهش درخشی و همکاران (۱۳۹۴) نیز نشان می‌دهد که ساختار مالکیت و ساختار مالی بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر دارند. آن‌ها در پژوهش خود متغیرهای مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، سهام، شناور آزاد، تمرکز مالکیت و مالکیت دولتی به عنوان شاخص‌های ساختار مالکیت و نیز متغیرهای نسبت بدهی بر دارایی، نسبت بدهی بلندمدت بر دارایی غیرجاری و نرخ هزینه سرمایه به عنوان شاخص‌های ساختار مالی بکار گرفته شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت و مالکیت دولتی بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت و مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی تأثیر منفی بر آن دارد.

۲-۲. توانایی مدیریتی

توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت‌هاست که به عنوان دارایی نامشهود طبقه‌بندی می‌شود. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. مدیران توانمند به احتمال بیشتر در طرح‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که ارزش فعلی خالص مثبت بالاتری داشته و همچنین توانایی بیشتری در اجرای مناسب آن خواهند داشت. به گفته حسنی القار و مرفوع (۱۳۹۶)

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

مدیران توانمند، درک مناسب‌تری از فناوری و روند صنعت دارند و با اتکای بیشتری می‌توانند تقاضای محصولات را پیش‌بینی کنند. این گروه از مدیران دانش و آگاهی بیشتری در ارتباط با مشتریان و شرایط کلان اقتصادی دارند و همچنین قادرند درک بهتری در ارتباط با استانداردهای پیچیده‌تر داشته و آنها را به درستی اجرا کنند.

تأثیر مدیران و توانایی آنان بر عملکرد و سایر ابعاد شرکت، موضوع بسیار مهمی در ادبیات حوزه حسابداری و نظام راهبری می‌باشد. پژوهش‌های گذشته نشان داده‌اند که توانایی مدیریت با خوانایی گزارشگری مالی (صفری گرائلی و رضائی پیته نوئی، ۱۳۹۷)، سیاست تأمین مالی (علی نژاد ساروکلائی و تارفی، ۱۳۹۶)، اجتناب مالیاتی (حسنی القار و شعری آناقیز، ۱۳۹۶)، ارزش شرکت (کمالی منفرد و علی احمدی، ۱۳۹۶)، عملکرد شرکت (کارملی و تیشلر، ۲۰۰۴) و استمرار سودهای پیش‌بینی شده (بایک و همکاران، ۲۰۱۱) مرتبط است.

همچنین بزرگ اصل و صالح زاده (۱۳۹۴) رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را سنجیده‌اند. نتایج پژوهش مؤید وجود رابطه مثبت بین توانایی مدیریت و پایداری سود است. ولی رابطه بین توانایی مدیریت و پایداری بخش تعهدی نسبت به بخش نقدی قوی‌تر است.

۲-۳. توانایی مدیریتی و حق‌الزحمه حسابرسی

یکی از ویژگی‌های اصلی مرتبط با صاحبکار، مدیران و توانایی آنها می‌باشد. ادبیات گسترده‌ای نیز موید وجود ارتباط بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد. به عنوان نمونه، بامبر و همکاران (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که توانایی مدیران بر سیاست‌های افشای شرکت تأثیر مهمی دارد. لی و همکاران (۲۰۱۵) نیز معتقدند که مدیران ارشد شرکت، بر گزارشگری مالی از جمله اقلام تعهدی اختیاری و محافظه‌کاری حسابداری تأثیر مهمی دارند. همچنین دمیرجان و همکاران (۲۰۱۳) نیز نشان دادند که توانایی مدیریت، کیفیت سود را بالا می‌برد. در داخل کشور نیز پیری و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که توانایی مدیریت، کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. نتایج پژوهش بزرگ اصل و صالح زاده نیز (۱۳۹۴) موید تاثیرگذاری توانایی‌های مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها است.

چن و همکاران (۲۰۱۵) نیز بیان داشته‌اند که حسابرسان حق‌الزحمه بیشتری از شرکت‌های دارای مدیران ریسک‌پذیرتر دریافت می‌کنند. کریشنان و وانگ (۲۰۱۵) نیز این موضوع را بررسی کردند که آیا حسابرسان به عوامل ریسک مرتبط با مدیران صاحبکار واکنش نشان می‌دهند یا خیر؟ نتایج آنها نشان داد که توانایی مدیران تأثیر معناداری بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی دارد.

حسابرسان همواره از اطلاعات داخلی شرکت‌ها برای ارزیابی ریسک پروژه حسابرسی استفاده می‌کنند که این اطلاعات در دسترس سایر افراد برون سازمانی قرار دارد. بنابراین حق‌الزحمه حسابرسی می‌تواند به عنوان شاخصی از اقدامات و فعالیت‌های مدیریتی و اطلاعات درون شرکت

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

درباره کیفیت گزارشگری مالی باشد (گل و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین بنابر «فرضیه ریسک دعاوی حقوقی و حق‌الزحمه حسابرسی» (سیساماران و همکاران، ۲۰۰۲) حق‌الزحمه حسابرسی با افزایش ریسک دعاوی حقوقی، افزایش یافته و با توجه به اینکه با افزایش توانایی مدیریتی، کیفیت گزارشگری مالی افزایش پیدا می‌کند، در نهایت می‌توان بیان نمود که در ادامه ریسک پروژه حسابرسی کاهش یافته و منجر به کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. یافته‌های گل و همکاران (۲۰۱۸)، حسنی القار و سدیدی (۱۳۹۶) و دهکردی و حیدری نیز در این راستا می‌باشد. بنابراین با توجه به استدلال‌های بیان شده، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه منفی وجود دارد.

۲-۴. تأثیر آشفتگی مالی بر رابطه توانایی مدیریتی و حق‌الزحمه حسابرسی

در عصری که شرکت‌ها برای بقا در بازارهای رقابتی با چالش‌های فراوانی روبرو هستند، سلامت مالی و شناسایی عواملی که منجر به بحران‌های مالی می‌شوند، از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشد (احمدپور و همکاران، ۱۳۹۵). برای تداوم فعالیت شرکت‌ها موانعی وجود دارد که منجر به عدم موفقیت شرکت‌ها می‌گردد. یکی از مشخصه‌های عدم موفقیت و شکست شرکت‌ها، آشفتگی مالی است. آشفتگی مالی شرکت، نشان دهنده نظام راهبری ضعیف شرکت، مانند تصمیمات نامناسب اتخاذ شده توسط مدیریت یا عدم وجود نظارت مناسب بر وضعیت مالی شرکت می‌باشد (فؤاد، ۲۰۱۷).

گوردون (۱۹۷۱) آشفتگی مالی را به عنوان کاهش قدرت سودآوری شرکت تعریف کرده که احتمال توانایی پرداخت بهره و اصل بدهی را کاهش می‌دهد. وی مرحله آشفتگی مالی را مرحله‌ای مابین سلامتی و ورشکستگی کامل می‌داند. به گفته گیلبرت و همکاران (۱۹۹۰) وجود زیان برای بیش از سه سال متوالی، حاکی از آشفتگی مالی شرکت‌هاست و این‌گونه شرکت‌ها با تهدید ورشکستگی مواجه‌اند. دنیس و دنیس (۱۹۹۵) شرکت‌هایی را که بیش از سه سال متوالی زیان داشته‌اند را به عنوان درمانده مالی شناسایی نمودند. وارد و فاستر (۱۹۹۷) کاهش سود تقسیمی بیش از ۴۰ درصد را معیاری برای بحران مالی عنوان کرده‌اند. همچنین اوتچوا (۲۰۰۷) آشفتگی مالی را وضعیتی می‌داند که شرکت برای برآوردن تعهدات مالی، جریان نقد کافی ندارد.

طبق استاندارد بین‌المللی حسابرسی[1] شماره ۹۹، سه وضعیتی که منجر به وقوع تقلب می‌گردند، ۱-انگیزه یا فشار[2]، ۲- فرصت[3] و ۳-عقلانیت یا نگرش[4] می‌باشد (گل و همکاران، ۲۰۱۸). از تلاقی این سه وضعیت با عنوان مثلث تقلب[5] نیز یاد می‌شود.

1. International Standards on Auditing, No 99.
2. Incentive/Pressure
3. Opportunity
4. Rationalization/Attitude
5. Fraud Triangle

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

آشفتگی مالی شرایطی را برای مدیران فراهم می‌کند تا به صورت فرصت‌طلبانه[1] رفتار نمایند. به باور ولف و هرمانسون (۲۰۰۴)، هنگامی که شرکت‌ها در شرایط آشفتگی مالی قرار می‌گیرد، ویژگی‌ها و توانایی‌های ذاتی مدیریتی به آنها این قابلیت را می‌دهد که فرصت تقلب را شناسایی و پیاده‌سازی نمایند. همچنین آنها بیان می‌کنند که، مدیران دارای سطح بالای توانایی نسبت به سایر مدیران، با استفاده از هوش، تخصص و درک بهتر از شیوه‌های گزارشگری مالی و نقاط ضعف کنترل داخلی شرکت، در موقعیتی بهتر قرار دارند که از فرصت‌های تقلب و از ضعف‌های کنترل داخلی استفاده کنند و دستکاری و تقلب خود را پنهان کنند.

پژوهش بیزلی و همکاران (۲۰۱۰) نیز نشان دادند که به صورت تقریبی در ۹۰ درصد تقلب‌های صورت گرفته در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار نیویورک، مدیرعامل و یا مدیر مالی نقش داشته‌اند. در این راستا، دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) نیز نشان دادند که مدیران دارای سطح بالای توانایی، عمل مدیریت سود را بهتر انجام می‌دهند.

چنگ و همکاران (۲۰۱۷) نیز به صورت تجربی نشان دادند، هنگامی که شرکت‌ها در شرایط آشفتگی مالی قرار دارند، مدیران تواناتر می‌توانند اقداماتی را انجام دهند که منافع سهامداران را کاهش دهد. تهدید منافع سهامداران، کیفیت گزارشگری مالی را کاهش پیدا کرده و در نهایت منجر به افزایش ریسک حسابرسی گردد. همچنین به گفته فرانک و ابلوج (۲۰۱۴)، در شرایط آشفتگی مالی، مدیران توانمندتر، فروش درون سازمانی را افزایش داده و شرایط قرارداد را به منظور افزایش پرداخت‌های خود، دستکاری می‌نمایند.

در راستای هدف دوم پژوهش حاضر، گل و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر آشفتگی مالی شرکت‌ها بر رابطه بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نیز نشان داد که اولاً بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط منفی وجود دارد و همچنین آشفتگی مالی شرکت‌ها این ارتباط منفی را تضعیف می‌کند.

همانگونه که قبلاً نیز بیان گردید، حق‌الزحمه حسابرسی می‌تواند به عنوان شاخصی از اقدامات و فعالیت‌های مدیریتی و اطلاعات درون شرکت درباره کیفیت گزارشگری مالی باشد (گل و همکاران، ۲۰۱۸). ادبیات پژوهش نیز نشان دهنده این موضوع است که در شرایط آشفتگی مالی، احتمال انجام رفتارهای فرصت طلبانه توسط مدیران توانمندتر افزایش می‌یابد که این اقدامات در نهایت می‌تواند منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی گردد. با کاهش کیفیت گزارشگری مالی، ریسک برآوردی حسابرسان درباره شرکت افزایش یافته و منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی می‌گردد. در نتیجه هنگامی که شرکت‌ها در شرایط آشفتگی مالی قرار می‌گیرند، با توجه به افزایش احتمال رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت، رابطه بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی تضعیف می‌گردد. بنابراین با توجه به مبانی نظری و تجربی، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه دوم: آشفتگی مالی شرکت‌ها موجب کاهش تأثیر منفی توانایی مدیریت بر حق‌الزحمه

1. Opportunistically

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

حسابرسی می‌شود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع نیمه تجربی پس رویدادی است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و الگوهای اقتصادسنجی انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵ تشکیل می‌دهند. نمونه انتخابی این پژوهش نیز شرکت‌هایی هستند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

- قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرش شده باشند؛
- سال مالی شرکت‌ها طی دورهٔ زمانی پژوهش تغییر نکرده باشد؛
- از شرکت‌های بیمه، سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و لیزینگ نباشد (شرکت‌های سرمایه‌گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها در جامعه آماری منظور نشدند).
- داده‌های مورد نیاز برای پژوهش را در گزارش‌های مالی خود منتشر کرده باشند (بویژه اطلاعات مرتبط با حق‌الزحمه حسابرسی منتشر کرده باشند. زیرا بسیاری از شرکت‌ها به دلیل کم اهمیت بودن، این هزینه را به صورت جداگانه افشا نمی‌کنند).

پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۷۸ شرکت (۴۶۸ سال – شرکت) به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و نیز از نرم‌افزار ره‌آورد نوین نسخه ۳ استخراج گردید. برای انجام آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم افزارهای اکسل، ایویوز نسخه ۱۰ و استاتا نسخه ۱۴ استفاده شده است.

۳-۱. مدل آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه اول از مدل (۱) و برای آزمون فرضیه دوم از مدل (۲) استفاده شده است. این مدل‌ها در پژوهش‌های گل و همکاران (۲۰۱۸)، ایمانی برندق و همکاران (۱۳۹۷) و حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۵) بکارگرفته شده است.

مدل (۱)

$$\begin{aligned} LnAUDIT_{i,t} = {} & \beta_0 + \beta_1 MGR_ABILITY_{i,t} + \beta_2 C_EXP_{i,t} + \beta_3 C_SIZE_{i,t} + \beta_4 TA_{i,t} \\ & + \beta_5 S_GROWTH_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 NEG_ROA_{i,t} \\ & + \beta_9 AR_INV_{i,t} + \beta_{10} RESTATE_{i,t} + \beta_{11} INITIAL_{i,t} \\ & + \beta_{12} AUDITOR_TYPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

مدل (۲)

$$\begin{aligned}LnAUDIT_{i,t} = {} & \beta_0 + \beta_1 MGR_ABILITY_{i,t} + \beta_2 DISTRESS_{i,t} \\ & + \beta_3 MGR_ABILITY \times DISTRESS_{i,t} + \beta_4 C_EXP_{i,t} + \beta_5 C_SIZE_{i,t} \\ & + \beta_6 TA_{i,t} + \beta_7 S_GROWTH_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + \beta_9 ROA_{i,t} \\ & + \beta_{10} NEG_ROA_{i,t} + \beta_{11} AR_INV_{i,t} + \beta_{12} RESTATE_{i,t} \\ & + \beta_{13} INITIAL_{i,t} + \beta_{14} AUDITOR_TYPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}\end{aligned}$$

جدول ۱ متغیرهای مدل را تشریح و نحوهٔ اندازه‌گیری آنها را بیان کرده است.

جدول (۱) متغیرهای پژوهش

نام متغیر نحوه اندازه‌گیری	نماد متغیر	نوع متغیر	
حق‌الزحمهٔ حسابرسی	LnAUDIT	وابسته	لگاریتم طبیعی حق‌الزحمهٔ حسابرسی شرکت
توانایی مدیریت	MGR_ ABILITY	مستقل	به منظور اندازه‌گیری توانایی مدیریت از الگوی ارائه شده توسط دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) استفاده شده است. شرح کامل این الگو پس از جدول ارائه شده است.
آشفتگی مالی	DISTRESS	تعدیلگر	به منظور اندازه‌گیری آشفتگی مالی از الگوی ارائه شده توسط پورحیدری و حاجی کوپائی (۱۳۸۹) استفاده شده است. شرح کامل این الگو پس از جدول ارائه شده است.
تخصص کمیتهٔ حسابرسی	C_EXP	کنترلی	تعداد اعضای دارای تخصص مالی در کمیته حسابرسی، تقسیم بر تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی. مطابق بند شش مادهٔ ۱ منشور کمیتهٔ حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۹۱)، تخصص مالی اعضا، داشتن مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی یا معتبر بین‌المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد، سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) تعریف می‌شود.
اندازهٔ کمیتهٔ حسابرسی	C_SIZE	کنترلی	تعداد اعضای کمیتهٔ حسابرسی
دارایی‌ها	TA	کنترلی	لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها
میزان رشد فروش	S_GROWTH	کنترلی	فروش در سال جاری منهای فروش در سال قبل تقسیم بر فروش در سال قبل
اهرم مالی	LEV	کنترلی	نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

بازده دارایی‌ها	ROA	کنترلی	نسبت سود قبل از اقلام غیرعادی تقسیم بر جمع دارایی‌ها
شاخص بازده دارایی‌ها	NEG_ROA	کنترلی	اگر بازده دارایی‌ها منفی باشد عدد ۱ می‌گیرد و در غیر این صورت صفر است.
موجودی کالا و حساب‌های دریافتنی	AR_INV	کنترلی	جمع موجودی کالا و حساب‌های دریافتنی تقسیم بر جمع دارایی‌ها
تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی	RESTATE	کنترلی	اگر شرکت تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی داشته باشد ۱ در نظر گرفته می‌شود و در غیر این صورت صفر است.
اولین دورهٔ حسابرسی	INITIAL	کنترلی	اگر اولین سالی باشد که حسابرس، واحد مورد رسیدگی را بررسی می‌کند، عدد ۱ منظور می‌شود و در غیر این صورت صفر است.
نوع حسابرس	AUDITOR_TYPE	کنترلی	اگر حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد صفر

نحوه اندازه‌گیری توانایی مدیریت

به منظور سنجش توانایی مدیریت از الگوی ارائه شده توسط دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) استفاده شده است. سنجش توانایی مدیران با استفاده از این الگو در دو گام صورت می‌گیرد. در گام اول، کارآیی شرکت با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها[1] و با در نظر گرفتن بهای تمام شده کالای فروش رفته[2]، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش[3]، دارایی‌های ثابت مشهود[4]، اجاره عملیاتی[5]، مخارج تحقیق و توسعه[6] و دارایی‌های نامشهود به عنوان متغیرهای ورودی و فروش به عنوان متغیر خروجی سنجیده می‌شود. روش تحلیل پوششی داده‌ها یک مرز کارایی را برای شرکت‌ها فراهم می‌کند.

عدد و اندازه کارایی که روش تحلیل پوششی داده‌ها برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند، یک عدد بین صفر و یک است. شرکت‌هایی با نمره کارایی یک، شرکت‌هایی هستند که بسیار کارا بوده و شرکت‌هایی که امتیاز کارآیی آن‌ها کمتر از یک است، زیر مرز کارایی قرار دارند و باید با کاهش هزینه‌ها یا با افزایش درآمدها به مرز کارایی برسند. با توجه به عدم افشای مناسب مخارج تحقیق و توسعه برای شرکت‌های ایرانی این متغیر از مدل زیر کنار گذاشته شده است. همچنین به منظور جلوگیری از اثر مضاعف، مبلغ اجاره عملیاتی از هزینه‌های اداری، عمومی و فروش کسر گردیده است.

برای سنجش کارایی شرکت‌ها از رابطه (۱) استفاده می‌شود.

1. Data Envelopment Analysis
2. Cost of Goods Sold
3. Sale, General and Administration
4. Property, Plant and Equipment
5. Operating Lease
6. Research and Development

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

رابطه (۱):

$$\text{Max}\,(_{i.t}=\frac{\text{Sale}}{\beta_1 \text{CGS}_{i.t}+\beta_2 \text{SG\&A}_{i.t}+\beta_3 \text{PPE}_{i.t}+\beta_4 \text{OpsLease}_{i.t}+\beta_5 \text{Intan}_{i.t}}$$

که در رابطه (۱):

$Max_{i.t}$: اندازه کارایی شرکت i در دوره t.

$Sale_{i.t}$: فروش شرکت i در دوره t.

$CGS_{i.t}$: بهای تمام شده کالای فروش رفته شرکت i در دوره t.

$SG\&A_{i.t}$: هزینه‌های اداری، عمومی و فروش شرکت i در دوره t.

$OpsLease_{i.t}$: اجاره عملیاتی شرکت i در دوره t.

$Intan_{i.t}$: دارایی‌های نامشهود شرکت i در دوره t.

کارآیی محاسبه شده شرکت‌ها متأثر از دو عامل ویژگی‌های شرکت و توانایی مدیران است. بنابراین باید این دو عامل از یکدیگر تفکیک گردند. در این راستا، در گام نخست، از رگرسیونی استفاده می‌شود که ارتباط کارایی شرکت‌ها را با ویژگی‌های شرکتی نشان می‌دهد. این رگرسیون در مدل (۳) نشان داده شده است.

مدل (۳):

$$\begin{aligned}\text{Firm Efficiency}_{i.t}=&\beta_0+\beta_1 \text{LN(Total Assets)}_{i.t}+\beta_2 \text{Market Share}_{i.t}\\&+\beta_3 \text{FreeCash Flow}_{i.t}+\beta_4 \text{LN(Age)}_{i.t}\\&+\beta_5 \text{Foreign Currency Indicator}_{i.t}+\varepsilon_{i.t}\end{aligned}$$

پسماندهای باقیمانده حاصل از مدل (۳)، نشان‌دهنده امتیاز توانایی مدیر هر شرکت است.

در مدل (۳):

$\text{LN(Total Assets)}_{i.t}$: اندازه شرکت i در دوره t و برابر است با لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت.

$\text{Market Share}_{i.t}$: سهم از بازار شرکت i در دوره t و برابر است با فروش شرکت تقسیم بر فروش صنعت.

$\text{FreeCash Flow}_{i.t}$: جریان وجه نقد آزاد شرکت i در دوره t و برابر است با (هزینه بهره پرداختی –مالیات پرداختی–سود عملیاتی قبل از استهلاک–سود سهام پرداختنی) تقسیم برجمع دارایی‌های شرکت.

$\text{LN(Age)}_{i.t}$: عمر شرکت i در دوره t و برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های پس از تأسیس شرکت.

$\text{Foreign Currency Indicator}_{i.t}$: فروش خارجی شرکت i در دوره t و این متغیر مجازی است. چنانچه شرکت مورد نظر صادرات داشته باشد، مقدار این متغیر برابر یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

نحوه اندازه‌گیری آشفتگی مالی

آشفتگی مالی بیانگر متغیر دو وجهی است. اگر شرکت طبق مدل پورحیدری و کوپائی حاجی (۱۳۸۹) در شرایط آشفتگی مالی قرار داشته باشد عدد یک و در غیر این‌صورت عدد صفر خواهد بود. مدل پورحیدری و کوپائی حاجی (۱۳۸۹) به شرح زیر می‌باشد:

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

رابطه (۲):

$$P = 3/20784\ K1 + 1/80384\ K2 + 1/61363\ K3 + 0/50094\ K4 + 0/16903\ K5 - 0/39709\ K6 - 0/12505\ K7 + 0/33849\ K8 + 1/42363\ K9$$

که در آن:

P، آشفتگی مالی شرکت؛ K1، نسبت سود عملیاتی به داراییها؛ K2، نسبت سود انباشته به داراییها؛ K3، نسبت سرمایه در گردش به داراییها؛ K4، نسبت حقوق صاحبان سهام به بدهی‌ها؛ K5، نسبت سود قبل از بهره و مالیات به فروش؛ K6، نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری؛ K7، نسبت سود خالص به فروش؛ K8، نسبت بدهیها به داراییها و K9، اندازه شرکت می‌باشد. همچنین از قدرمطلق مقادیر خطا به عنوان جانشین کیفیت سود شرکت‌ها استفاده میگردد. نقطه تمییز شرکت‌های دارای آشفتگی مالی از شرکت‌های فاقد آشفتگی مالی در این مدل عدد ۱۵/۸۹۰۷ است. اگر مقدار P به دست آمده برای هر شرکت کمتر از نقطه تمییز (عدد ۱۵/۸۹۰۷) باشد، آن‌گاه شرکت مورد نظر به عنوان شرکت دارای احتمال آشفتگی مالی دسته‌بندی می‌گردد.

۳-۲-۲. تبیین ارتباط متغیرهای کنترلی و حق‌الزحمه حسابرسی

شایان ذکر است که متغیرهای کنترلی این پژوهش در سه گروه ویژگی‌های کمیتهٔ حسابرسی، ویژگی‌های صاحبکار و ریسک فرایند حسابرسی به‌صورت زیر تبیین می‌شوند:

ویژگی‌های کمیتهٔ حسابرسی: تخصص مالی (C_EXP) و اندازهٔ کمیتهٔ حسابرسی (C_SIZE)، در این بحث دو متغیر کنترلی در نظر گرفته شده‌اند؛ زیرا اعضای کمیتهٔ حسابرسی که دارای تخصص مالی هستند، هنگام بحث یا مذاکره دربارهٔ موضوع‌های حسابرسی یا دربارهٔ دامنهٔ حسابرسی، از حسابرسان مستقل حمایت بیشتری می‌کنند. چنین تخصص‌هایی موجب می‌شود اعضای کمیتهٔ حسابرسی درک بهتری از موضوع‌های حسابرسی، ریسک و روش‌های حسابرسی‌ای که حسابرسان برای مواجهه با این ریسک‌ها پیشنهاد می‌کنند، داشته باشند. از این رو تخصص کمیتهٔ حسابرسی به گسترش دامنهٔ حسابرسی و در نهایت افزایش حق‌الزحمهٔ حسابرسی منجر می‌شود (ابوت و همکاران، ۲۰۰۳). همچنین نتیجهٔ مطالعات در ارتباط با اندازهٔ کمیتهٔ حسابرسی، نشان می‌دهد احتمال افزایش نفوذ در سازمان و درخواست برای حسابرسی باکیفیت برای کمیتهٔ حسابرسی بزرگ‌تر، بیشتر است (کالبرز و فوگارتی، ۱۹۹۳) و می‌تواند به افزایش حق‌الزحمهٔ حسابرسی منجر شود. یافته‌های وافیز و ویگلین (۲۰۰۷)، گودوین و کنت (۲۰۰۶) نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

ویژگی‌های صاحبکار: در این گروه متغیرهای کنترلی، پیچیدگی محیط فعالیت صاحبکار و ریسک ذاتی و تجاری آن بررسی می‌شوند. پیچیدگی زیاد محیط تجاری صاحبکار به پیچیدگی

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

فرایند حسابرسی (در نتیجهٔ حق‌الزحمهٔ حسابرسی) منجر می‌شود (سن کاراگورو سومی و ویسنات، ۲۰۰۴). این وضعیت به احتمال زیاد برای شرکت‌های بزرگ از لحاظ اندازهٔ دارایی‌ها (TA) و رشد فروش (S_GROWTH)، پیچیده‌تر می‌شود. همچنین بر اساس یافته‌های نیکبخت و تنانی (۱۳۸۹) اندازهٔ شرکت، پیچیدگی عملیات شرکت، نوع مؤسسهٔ حسابرسی و تورم، ارتباط معناداری با حق‌الزحمهٔ حسابرسی دارند. در زمینهٔ متغیرهای مرتبط با ریسک ذاتی و تجاری صاحبکار باید گفت که ریسک حسابرسی در شرکت‌های دارای ریسک بالا، افزایش می‌یابد و به افزایش حق‌الزحمهٔ حسابرسی منجر می‌شود. در ضمن شرکت‌های دارای اهرم مالی بالا (LEV)، نسبت‌های سودآوری (ROA) کم و بازده منفی دارایی‌ها (NEG_ROA)، احتمالاً ریسک نقدینگی زیادی دارند که در نهایت به افزایش حق‌الزحمهٔ حسابرسی می‌انجامد. همچنین موجودی کالا، ریسک معیوب شدن و حساب‌های دریافتنی، ریسک عدم وصول را به همراه دارند. از این رو نسبت بالای (AR_INV) آن‌ها نشان‌دهندهٔ ریسک زیاد است که در نهایت آن نیز موجب حق‌الزحمهٔ حسابرسی بیشتر می‌شود (لی و همکاران، ۲۰۱۵).

ریسک فرایند حسابرسی: این ریسک، از متغیرهای مهم دیگر است که باید به‌گونه‌ای کنترل شود. تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی (RESTATE) اولین دورهٔ حسابرسی (INITIAL) در این راستا قرار دارند. لی، لی و سامی (۲۰۱۵)، بیان کردند که تجدید ارائهٔ بیشتر صورت‌های مالی و تأخیر زیاد در گزارشگری مالی، احتمالاً به‌دلیل پیچیدگی زیاد فرایند حسابرسی یا وجود مشکلات پیش‌بینی نشده توسط حسابرس یا عدم توافق حسابرس و صاحبکار است که به افزایش حق‌الزحمهٔ حسابرسی دامن می‌زند. در ارتباط با اولین دورهٔ حسابرسی، سن کاراگوروسومی و ویسنات (۲۰۰۴) اشاره می‌کنند که ممکن است، به‌منظور افزایش احتمال جذب و پذیرش صاحبکار، در اولین دورهٔ حسابرسی به صاحبکار در حق‌الزحمهٔ حسابرسی تخفیف داده شود. بنابراین می‌توان انتظار وجود ارتباط منفی بین اولین دورهٔ حسابرسی و حق‌الزحمهٔ حسابرسی را داشت.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. آمار توصیفی داده‌ها

ویژگی‌های کلی متغیرهای کمی پژوهش در جدول ۲ به نمایش درآمده است. در ۴۶۸ مشاهدهٔ پژوهش، میانگین و میانهٔ لگاریتم طبیعی حق‌الزحمهٔ حسابرسی به‌ترتیب برابر با ۶/۷۵۷۲ و ۶/۷۴۴۷ به‌دست آمده که نشان‌دهندهٔ چولگی خفیف پراکندگی توزیع این متغیر است. میانگین و میانه متغیر توانایی مدیریت، به ترتیب برابر با ۰/۰۰۲۸ و ۰/۰۶۵۴ است و از آنجائی که مقدار میانه بیشتر از مقدار میانگین است، نشان دهنده این موضوع است که توزیع این متغیر چوله به چپ می‌باشد. بیشترین مقدار متغیر تخصص کمیته حسابرسی برابر با ۱/۰۰۰۰ می‌باشد. این عدد بدین مفهوم می‌باشد که در برخی از مشاهدات تمام اعضای کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی و حسابداری بوده‌اند. در شرکت‌های نمونه، بیشترین تعداد اعضای کمیتهٔ حسابرسی ۵ و

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

کمترین آن ۳ نفر اســت. حداقل متغیر میزان رشــد فروش مشاهده شده (۰/۰۸۵۹-) گویای آن اســت که در بین شرکت‌های نمونه، شــرکت‌هایی وجود داشته است که در سال جاری نسبت به سال قبل کاهش فروش داشته‌اند. همچنین حداقل متغیر بازده دارایی‌ها (۰/۰۹۹۳-) گویای وجود شرکت‌های زیان‌ده در نمونه است.

جدول (۲) آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف	تعداد
حق‌الزحمهٔ حسابرسی	LnAUDIT	۶/۷۵۷۲	۶/۷۴۴۷	۹/۵۰۸۴	۴/۶۷۸۰	۰/۷۶۰۸	۴۶۸
حق‌الزحمه حسابرسی (بدون لگاریتم‌گیری)	AUDIT	۱۰۶۴/۲۳۵	۸۴۹/۵	۳۱۲۷/۲	۲۶۴/۸	۷۴۶/۵۵۸	۴۶۸
توانایی مدیریت	MGR_ABILITY	۰/۰۰۲۸	۰/۰۶۵۴	۰/۴۷۵۷	۰-/۷۰۵۰	۰/۲۶۰۱	۴۶۸
تخصص کمیتهٔ حسابرسی	C_EXP	۰/۷۵۹۱	۰/۶۶۶۷	۱/۰۰۰۰	۰/۳۳۳۳	۰/۲۶۰۵	۴۶۸
اندازهٔ کمیتهٔ حسابرسی	C_SIZE	۳/۰۶۰۰	۳/۰۰۰۰	۵/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۳۶۹۹	۴۶۸
دارایی‌ها	TA	۱۳/۵۵۵۸	۱۳/۶۳۱۱	۱۶/۹۸۲۷	۱۰/۱۶۶۵	۱/۰۸۸۱	۴۶۸
دارایی‌ه (بدون لگاریتم‌گیری)	size	۱۱۹۵۴۹۸	۸۳۱۵۵۸/۵	۴۹۹۳۹۹۸	۱۰۶۲۴۵/۸	۱۱۹۸۷۶۶	۴۶۸
میزان رشد فروش	S_GROWTH	۰/۱۵۰۵	۰/۱۲۷۴	۰/۴۶۹۳	۰-/۰۸۵۹	۰/۱۴۳۳	۴۶۸
اهرم مالی	LEV	۰/۵۹۰۰	۰/۶۰۲۰	۰/۹۳۴۷	۰/۲۵۸۷	۰/۱۸۴۸	۴۶۸
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۱۱۰۲	۰/۰۹۴۷	۰/۳۷۶۱	۰-/۰۹۹۳	۰/۱۲۲۳	۴۶۸
موجودی کالا و حساب‌های دریافتنی	AR_INV	۰/۲۴۷۵	۰/۲۲۵۱	۰/۷۰۲۵	۰/۰۷۱۶	۰/۱۳۴۷	۴۶۸

جــدول ۳ آمــار توصیفــی متغیرهای کیفــی (دارای دو ارزش صفر و یک) را نشــان می‌دهد. به‌طور کلی در ۶۲ مشــاهده، شرکت‌ها دچار آشــفتگی مالی بوده‌اند که برابر با ۱۱/۳۹ درصد کل مشــاهدات است. همچنین در ۲۲۳ مشاهده، کمیتهٔ حسابرسی حداقل دارای یک متخصص مالی (دارای مدرک دانشــگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی یا معتبر بین‌المللی در امور مالی، حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد، سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) بوده است. شــرکت‌های نمونه در حدود ۷۰ درصد مشــاهدات، صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه کرده‌اند. همچنین در ۱۱۷ مشاهده (حدود یک چهارم مشاهدات)، حسابرس شرکت، اولین سالی بوده که مســئولیت حسابرسی را بر عهده داشته است. همچنین تقریباً در ۶۰ درصد مشاهدات، حسابرس شرکت‌ها، سازمان حسابرسی بوده است.

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

جدول (۳) آمار توصیفی متغیرهای کیفی پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	وجود		عدم وجود		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آشفتگی مالی	DISTRESS	۶۲	۱۳/۲۴	۴۰۶	۸۶/۷۵	۴۶۸	۱۰۰
شاخص بازده دارایی‌ها	NEG_ROA	۱۲۳	۲۸/۲۶	۳۴۵	۷۱/۷۳	۴۶۸	۱۰۰
تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی	RESTATE	۳۳۱	۷۰/۷۳	۱۳۷	۲۹/۲۷	۴۶۸	۱۰۰
اولین دورهٔ حسابرسی	INITIAL	۱۱۷	۲۵/۰۰	۳۵۱	۷۵/۰۰	۴۶۸	۱۰۰
نوع حسابرس	AUDITOR_TYPE	۲۷۶	۵۸/۹۷	۱۹۲	۴۱/۰۳	۴۶۸	۱۰۰

۴-۲. آزمون همبستگی بین متغیرهای پژوهش

شدت وابستگی دو متغیر به یکدیگر را همبستگی می‌نامند. هدف روش‌های همبستگی بررسی میزان رابطه بین دو یا چند متغیر است. همبستگی بیانگر شدت وابستگی دو متغیر و جهت وابستگی آنها است. برای آزمون همبستگی بین متغیرهای توضیحی پژوهش و متغیر وابسته، ماتریس (جدول) همبستگی تهیه شده است. چنانچه یکی از متغیرهای توضیحی با متغیر وابسته همبستگی بسیار ضعیفی داشته باشد، می‌تواند از مدل کنار گذاشته شود یا جایگزینی برای آن مشخص شود. نتایج این آزمون در جدول (۴) نشان داده شده است. این جدول نشان می‌دهد که بین متغیرهای توضیحی و متغیر وابسته، همبستگی قابل قبول و معناداری وجود دارد. چون مقدار احتمال به دست آمده برای متغیرها کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

جدول (۴) آزمون همبستگی متغیرهای پژوهش

	LnAUDIT	MGR_ ABILITY	DISTRESS	C_EXP	C_SIZE	TA	S_GROWTH	LEV	ROA	NEG_ROA	AR_INV	RESTATE	INITIAL
LnAUDIT	۱,۰۰												

MGR_ ABILITY	-۰,۰۳	۱,۰۰											
	۰,۰۰	----											
DISTRESS	۰,۲۷	۰,۰۳	۱,۰۰										
	۰,۰۰	۰,۰۰	----										
C_EXP	-۰,۰۴	۰,۰۰	-۰,۰۴	۱,۰۰									
	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	----									
C_SIZE	-۰,۰۷	۰,۰۱	-۰,۱۱	۰,۰۰	۱,۰۰								
	۰,۰۳	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	----								
TA	۰,۶۰	-۰,۲۴	۰,۲۵	-۰,۰۳	-۰,۰۱	۱,۰۰							
	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	----							
S_ GROWTH	-۰,۰۷	-۰,۱۸	-۰,۳۵	-۰,۰۲	۰,۱۹	۰,۰۴	۱,۰۰						
	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۷۰	۰,۰۰	۰,۰۰	----						
LEV	۰,۲۰	-۰,۰۸	۰,۵۵	۰,۰۶	-۰,۱۳	۰,۱۳	-۰,۲۹	۱,۰۰					
	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	۰,۰۰	----					
ROA	-۰,۱۲	-۰,۱۰	-۰,۵۶	-۰,۰۷	۰,۱۵	۰,۰۲	۰,۵۹	-۰,۷۵	۱,۰۰				
	۰,۰۴	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	----				
NEG_ROA	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۱۷	۰,۰۸	۰,۰۱	۰,۰۱	-۰,۱۶	۰,۴۲	-۰,۳۶	۱,۰۰			
	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۰	----			
AR_INV	-۰,۰۴	-۰,۱۹	-۰,۱۳	-۰,۰۵	-۰,۰۸	-۰,۱۷	-۰,۰۸	-۰,۰۳	-۰,۰۲	-۰,۰۸	۱,۰۰		
	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۳	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	----		
RESTATE	-۰,۰۶	-۰,۰۱	۰,۰۴	۰,۱۷	۰,۱۵	-۰,۰۲	۰,۰۷	-۰,۰۲	۰,۰۴	۰,۰۷	-۰,۰۹	۱,۰۰	
	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۳	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۰	----	
INITIAL	-۰,۱۵	۰,۰۱	-۰,۰۲	۰,۰۳	-۰,۰۹	-۰,۱۲	۰,۰۴	-۰,۰۷	-۰,۰۳	-۰,۰۴	-۰,۰۷	۰,۰۴	۱,۰۰
	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۰	۰,۰۴	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	-----

۴-۳. آزمون استنباطی

۴-۳-۱. آزمون مانایی و هم‌خطی متغیرها

یکی از فرض‌های اولیهٔ مدل‌های رگرسیون چند متغیره، عدم وجود همبستگی خطی بین متغیرهای توضیحی است که برای بررسی آن، آزمون عامل تورم واریانس و برای پایایی، آزمون لوین، لین و چو اجرا شده است (جدول ۵). ستون VIF در جدول ۵ نتایج بررسی هم‌خطی بین

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

متغیرهای توضیحی پژوهش را نشان می‌دهد. به‌طور کلی چنانچه مقدار عامل تورم واریانس برای هر یک از ضرایب کمتر از ۱۰ باشد، می‌توان از مشکل هم‌خطی چشم‌پوشی کرد (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۵). نتایج این آزمون نشان می‌دهد که بین متغیرهای توضیحی هم‌خطی شدیدی وجود ندارد. با توجه به نتایج آزمون لوین، لین و چو، چون مقدار احتمال آمارهٔ LLC برای تمام متغیرها کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت متغیرهای بررسی شده طی دورهٔ پژوهش در سطح پایا بوده و استفاده از این متغیرها در مدل باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. علاوه بر این، برای بررسی هم‌انباشتگی از آزمون کائو[1] استفاده شده که نتیجهٔ آن در جدول ۶ درج شده است.

جدول (۵) آزمون لوین، لین و چو و آزمون هم‌خطی

نام متغیر	نماد متغیر	تعداد وقفه	LLC	P-value	VIF
حق‌الزحمهٔ حسابرسی	LnAUDIT	(I_0)	-۲۲/۳۷۰۰	۰/۰۰۰۰	متغیر وابسته
توانایی مدیریت	MGR_ABILITY	(I_0)	-۱/۹۰۱۴	۰/۰۰۰۰	۱/۰۸۷۳
آشفتگی مالی	DISTRESS	(I_0)	-۶/۷۰۱۳	۰/۰۰۰۰	۱/۰۲۲۷
تخصص کمیتهٔ حسابرسی	C_EXP	(I_0)	-۴/۴۰۱۴	۰/۰۰۰۰	۱/۰۹۹۶
اندازهٔ کمیتهٔ حسابرسی	C_SIZE	(I_0)	-۵/۱۰۱۴	۰/۰۰۰۰	۱/۱۴۳۱
دارایی‌ها	TA	(I_0)	-۲/۴۰۱۴	۰/۰۰۰۰	۱/۱۶۰۴
میزان رشد فروش	S_GROWTH	(I_0)	-۳/۴۰۱۲	۰/۰۰۰۰	۱/۲۳۴۲
اهرم مالی	LEV	(I_0)	-۱۰/۰۷۹۸	۰/۰۰۰۰	۱/۱۲۲۹
بازده دارایی‌ها	ROA	(I_0)	-۲/۳۳۸۸	۰/۰۰۸۵	۱/۰۶۷۴
شاخص بازده دارایی‌ها	NEG_ROA	(I_0)	-۳/۳۴۵۲	۰/۰۰۰۰	۱/۵۱۳۰
موجودی کالا و حساب‌های دریافتنی	AR_INV	(I_0)	-۱/۸۱۴۲	۰/۰۰۰۰	۱/۴۱۵۱
تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی	RESTATE	(I_0)	-۱/۴۲۱۵	۰/۰۰۰۰	۲/۱۲۳۳
اولین دورهٔ حسابرسی	INITIAL	(I_0)	-۱/۱۵۲۳	۰/۰۰۰۰	۱/۱۲۳۶
نوع حسابرس	AUDITOR_TYPE	(I_0)	-۳/۶۹۶۷	۰/۰۰۰۰	۲/۱۸۲۴

1. Kao Test

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

جدول (۶) آزمون هم‌انباشتگی داده‌های ترکیبی

مدل	آمارهٔ t	احتمال
مدل ۱	۹-/۲۹۹۲	۰/۰۰۰۰
مدل ۲	۶-/۲۶۳۵	۰/۰۰۰۰

از آنجا که سطح احتمال به‌دست‌آمده در جدول ۶، کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر این آزمون تأیید نمی‌شود؛ به این معنا که ترکیب خطی متغیرها هم‌انباشتگی دارد.

۴-۴. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

۴-۴-۱. آزمون فرضیهٔ اول پژوهش

برای بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی، مدل (۱) برآورد شد که نتایج آن در جدول ۶ ارائه شده است. قبل از برآورد مدل (۱) آزمون‌های پیش فرض رگرسیون انجام گردیده که نتایج آن در ادامه گزارش می‌گردد.

آزمون ناهمسانی واریانس: برای بررسی شرط عدم ناهمسانی واریانس از آزمون LR استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۷ ارائه شده است. از آن‌جا که مقدار معناداری آماره این آزمون برابر با ۰/۰۰۰۰ می‌باشد، بنابراین نتایج این آزمون بیانگر وجود مشکل ناهمسانی واریانس می‌باشد و برای بر طرف کردن این مشکل، باید مدل به روش حداقل مربعات تعمیم یافته[1] برآورد گردد.

به منظور برآورد مدل (۱)، برای آن‌که بتوان مشخص نمود که استفاده از روش داده‌های تلفیقی در مقابل داده‌های تابلویی در برآورد مدل مورد نظر کارآمد خواهد بود یا خیر، از آزمون چاو[2] و در صورت تأیید استفاده از روش داده‌های تابلویی، به منظور این‌که مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسبتر است، از آزمون هاسمن[3] استفاده می‌شود. نتایج این آزمون‌ها در جدول ۶ ارائه شده است. نتایج این آزمون‌ها نشان داد که استفاده از نوع داده‌های تابلویی و اثرات ثابت بهترین نتایج را ارائه می‌کند.

آزمون عدم وجود خود همبستگی مرتبه اول: به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر از آزمون دوربین-واتسون[4] استفاده شده، که نتایج مربوط نشان می‌دهد که آماره دوربین ـ واتسون در مدل (۱) بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که بین جملات خطا، مشکل خودهمبستگی مرتبه اول وجود ندارد. نتایج آزمون مذکور در جدول ۷، ارائه شده است.

آزمون نرمال بودن جملات خطا (پسماند): به منظور سنجش نرمال بودن خطای پسماند، آزمون جارکیو-برا[1] (۱۹۸۱) استفاده شده است. در صورتی که پسماندها به صورت نرمال توزیع

1. GLS
2. Chow
3. Hausman
4. Dorbin Watson

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

شـــده باشـــد، آماره آزمون مزبور، معنادار نخواهد بود. از آن‌جا که مقدار آماره جارکیو-برا (۱۹۸۱) برابر با ۶/۲۸۷۴ و احتمال آن برابر با ۰/۴۳۱۲ می‌باشـــد و با توجه به این‌که ســـطح معناداری این آزمون، بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه نرمال بودن توزیع جملات خطا در مدل (۱) پذیرفته می‌شود. نتایج این آزمون در جدول ۷ ارائه شده است.

ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده برای مدل (۱) به‌ترتیب برابر با ۰/۸۵۳۶ و ۰/۸۴۵۱ به‌دســـت آمد، بنابراین می‌تـــوان نتیجه گرفت که در مدل پژوهش، حـــدود ۸۵ درصد از تغییرات متغیر وابســـته (حق‌الزحمه حسابرســـی) توســـط متغیرهای توضیحی مدل (۱) تبیین می‌شـــوند. معناداری آمارهٔ F با مقدار ۰/۰۰۰۰ بیان‌کنندهٔ معناداری کل مدل (۱) است.

بـــرای آزمون فرضیـــه اول به نتایج آماره‌های مرتبط با متغیر توانایی مدیریت توجه می‌شـــود. ســـطح معناداری متغیر توانایی مدیریت برابر با ۰/۰۰۱ اســـت. این مقدار از ســـطح خطای مورد پذیرش این پژوهش (۰/۰۵) کمتر می‌باشـــد. بنابراین می‌توان بیان نمود که بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرســـی رابطـــه معناداری وجود دارد. همچنین مقدار ضریب برآورد شـــده برای متغیر توانایی مدیریت برابر با ۰/۴۳۹- اســـت که نشـــان‌دهنده رابطه معکوس بین متغیر توانایی مدیریت و متغیر وابســـته (حق‌الزحمه حسابرسی) است. بنابراین توانایی مدیریت رابطه معناداری بـــا حق‌الزحمه حسابرســـی دارد. به عبارت دیگر، شـــرکت‌های دارای مدیـــران تواناتر، حق‌الزحمه حسابرسی کمتری پرداختند. در نتیجه فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد. این نتایج با یافته‌های پژوهش گل و همکاران (۲۰۱۸) و دهکردی و حیدری (۱۳۹۶) نیز هم راســـتا می‌باشد. به عبارت دیگر، نتایج پژوهش آنها نیز نشـــان می‌دهد که با افزایش توانایی مدیریتی، حق‌الزحمه حسابرسی کمتر می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

جدول (۷) رابطه توانایی مدیریت با حق‌الزحمه حسابرسی

مدل ۱

$$LnAUDIT_{i.t} = \beta_0 + \beta_1 MGR_ABILITY_{i.t} + \beta_2 C_EXP_{i.t} + \beta_3 C_SIZE_{i.t} + \beta_4 TA_{i.t} + \beta_5 S_GROWTH_{i.t} + \beta_6 LEV_{i.t} + \beta_7 ROA_{i.t} + \beta_8 NEG_ROA_{i.t} + \beta_9 AR_INV_{i.t} + \beta_{10} RESTATE_{i.t} + \beta_{11} INITIAL_{i.t} + \beta_{12} AUDITOR_TYPE_{i.t} + \varepsilon_{i.t}$$

متغیر توضیحی	نماد متغیر	علامت پیش‌بینی شده	ضریب برآورده شده	آمارهٔ t	معناداری
توانایی مدیریت	MGR_ ABILITY	–	۰/۴۳۹-	۳/۳۱۳-	۰/۰۰۱
تخصص کمیتهٔ حسابرسی	C-EXP	+	۰/۲۴۶	۵/۹۵۱	۰/۰۰۰
اندازهٔ کمیتهٔ حسابرسی	C-SIZE	+	۰/۰۲۶	۱/۰۱۳	۰/۳۱۲
دارایی‌ها	TA	+	۰/۴۰۷	۵/۹۷۲	۰/۰۰۰
میزان رشد فروش	S-GROWTH	+	۰/۱۳۲	۱/۲۹۴	۰/۱۹۷
اهرم مالی	LEV	+	۰/۰۲۵	۰/۱۵۱	۰/۸۸۰
بازده دارایی‌ها	ROA	–	۰/۳۹۶-	۱/۹۳۷-	۰/۰۵۴
شاخص بازده دارایی‌ها	NEG-ROA	+	۰/۱۲۲	۹/۶۵۲	۰/۰۰۰
موجودی کالا و حساب‌های دریافتنی	AR-INV	+	۰/۱۱۹	۹/۰۵۶	۰/۰۰۰
تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی	RESTATE	+	۰/۰۵۳	۲/۰۱۵	۰/۰۴۵
اولین دورهٔ حسابرسی	INITIAL	–	۰/۰۱۳-	۰/۷۸۲-	۰/۴۳۵
نوع حسابرس	AUDITOR_ TYPE	+	۰/۰۳۵	۱/۱۳۳	۰/۲۵۹
مقدار ثابت	C	؟	۰/۳۱۰	۱/۲۵۴	۰/۲۱۱
آمارهٔ آزمون LR	۷۲/۵۷۱۳	احتمال آمارهٔ آزمون LR	۰/۰۰۰۰	نتیجهٔ آزمون آزمون LR	وجود ناهمسانی واریانس
آمارهٔ آزمون چاو	۵/۲۲۰۱	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰۰	نتیجهٔ آزمون چاو	تابلویی (اثرات ثابت یا تصادفی)
آمارهٔ آزمون هاسمن	۳۷/۴۴۲۹	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۰۰۰۱	نتیجهٔ آزمون هاسمن	اثرات ثابت
آماره آزمون جارک_برا	۶/۲۸۷۴	سطح معناداری آماره آزمون جارک_برا	۰/۴۳۱۲	نتیجه آزمون جارک_برا	توزیع مقادیر باقی مانده نرمال است
ضریب تعیین	۰/۸۵۳۶	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۸۴۵۱	آمارهٔ دوربین واتسون	۲/۰۵۵۳
آمارهٔ F	۱۰۰/۱۵۰۴		معناداری آمارهٔ F	۰/۰۰۰۰	

۴-۴-۲. آزمون فرضیهٔ دوم پژوهش

برای بررسی تأثیر آشفتگی مالی بر رابطه بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی را مدل

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

(۲) برآورد شد که نتایج آن در جدول ۸ ارائه شده است. قبل از برآورد مدل آزمون‌های پیش فرض رگرسیون انجام گردیده که نتایج آن در ادامه به صورت مختصر (با توجه به اینکه در فرضیه قبل، این آزمون‌های به صورت کامل تشریح شد) گزارش می‌گردد.

نتایج آزمون‌های پیش فرض مدل (۲) بیانگر این موضوع بود که مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد و مدل به روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآورد گردید، استفاده از نوع داده‌های تابلویی و اثرات ثابت بهترین نتایج را ارائه می‌کند، بین جملات خطا، مشکل خودهمبستگی مرتبه اول وجود ندارد، توزیع جملات خطا نرمال بوده و متغیرهای توضیحی مدل (۲) حدود ۹۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته مدل (۲) را توضیح می‌دهند.

جدول (۸) تأثیر آشفتگی مالی بر رابطه بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی

مدل ۲

$$LnAUDIT_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MGR_ABILITY_{i,t} + \beta_2 DISTRESS_{i,t} + \beta_3 MGR_ABILITY \times DISTRESS_{i,t} + \beta_4 C_EXP_{i,t} + \beta_5 C_SIZE_{i,t} + \beta_6 TA_{i,t} + \beta_7 S_GROWTH_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + \beta_9 ROA_{i,t} + \beta_{10} NEG_ROA_{i,t} + \beta_{11} AR_INV_{i,t} + \beta_{12} RESTATE_{i,t} + \beta_{13} INITIAL_{i,t} + \beta_{14} AUDITOR_TYPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر توضیحی	نماد متغیر	علامت پیش‌بینی شده	ضریب برآورده شده	آمارهٔ t	معناداری
توانایی مدیریت	MGR_ ABILITY	-	۰/۱۱۱۹-	۶۱۵۳/- ۴	۰/۰۰۰۰
آشفتگی مالی	DISTRESS	+	۰/۲۲۷۷	۴/۶۶۵۳	۰/۰۰۰۰
اثر متقابل آشفتگی مالی و توانایی مدیریت	MGR_ ABILITY×DISTRESS	-	۰/۸۱۹۴-	۵/۴۹۷۳-	۰/۰۰۰۰
تخصص کمیتهٔ حسابرسی	C-EXP	+	۰/۳۲۳۹	۸/۹۸۶۹	۰/۰۰۰۰
اندازهٔ کمیتهٔ حسابرسی	C-SIZE	+	۰/۰۰۸۲	۰/۴۲۷۴	۰/۶۶۹۶
دارایی‌ها	TA	+	۰/۴۴۵۲	۷/۱۱۵۹	۰/۰۰۰۰
میزان رشد فروش	S-GROWTH	+	۰/۲۲۷۹	۳/۸۴۸۳	۰/۰۰۰۲
اهرم مالی	LEV	+	۰/۰۳۱۵	۰/۱۹۹۵	۰/۸۴۲۱
بازده دارایی‌ها	ROA	-	۰/۵۶۴۲-	۲/۸۶۶۷-	۰/۰۰۴۶
شاخص بازده دارایی‌ها	NEG-ROA	+	۰/۱۴۶۵	۴/۸۶۷۱	۰/۰۰۰۰
موجودی کالا و حساب‌های دریافتنی	AR-INV	+	۰/۰۹۶۹	۵/۴۵۶۲	۰/۰۰۰۰
تجدید ارائهٔ صورت‌های مالی	RESTATE	+	۰/۰۶۰۶	۲/۰۲۶۳	۰/۰۴۴۰
اولین دورهٔ حسابرسی	INITIAL	-	۰/۰۰۲۹-	۰/۲۶۱۱-	۰/۷۹۴۳
نوع حسابرس	AUDITOR_ TYPE	+	۰/۰۴۵۹	۱/۹۱۹۶	۰/۰۵۶۳
مقدار ثابت	C	؟	۰/۱۲۲۱	۱/۱۴۹۹	۰/۲۵۱۵

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

آمارهٔ آزمون LR	۷۸/۴۶۵۳	احتمال آمارهٔ آزمون LR	۰/۰۰۰۰	نتیجهٔ آزمون آزمون LR	وجود ناهمسانی واریانس
آمارهٔ آزمون چاو	۵/۱۷۵۱	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰۰	نتیجهٔ آزمون چاو	تابلویی (اثرات ثابت یا تصادفی)
آمارهٔ آزمون هاسمن	۳۵/۴۱۲۰	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۰۰۰۷	نتیجهٔ آزمون هاسمن	اثرات ثابت
آماره آزمون جارک_برا	۷/۹۲۶۳	سطح معناداری آماره آزمون جارک_برا	۰/۱۹۰۰	نتیجه آزمون جارک_برا	توزیع مقادیر باقی مانده نرمال است
ضریب تعیین	۰/۹۲۱۹	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۹۱۶۶	آمارهٔ دوربین واتسون	۲/۰۳۹۹
آمارهٔ F	۱۷۲/۲۳۸۵		معناداری آمارهٔ F	۰/۰۰۰۰	

فرضیه دوم پژوهش بدین صورت طرح شـده بود که آشـفتگی مالی، رابطه منفی بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی را تضعیف می‌کند. برای آزمون این فرضیه به نتایج آماری متغیر اثر متقابل آشفتگی مالی و توانایی مدیریت توجه شود. سطح معناداری این متغیر برابر با ۰/۰۰۰۰ و نشان دهنده رابطه معنادار این متغیر با متغیر وابسته هست. همچنین علامت ضریب این متغیر (۰/۸۱۹۴-) منفی بوده که نشـان دهنده اثر کاهش این متغیر بر متغیر وابسـته اسـت. بنابراین می‌توان بیان نمود که با افزایش احتمال آشـفتگی مالی در شرکت‌ها تأثیر منفی توانایی مدیریت بر حق‌الزحمه حسابرسی کاهش می‌یابد. یعنی آشفتگی مالی شرکت‌ها موجب کاهش تأثیر منفی توانایی مدیریت بر حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌گردد.

این نتایج نیز با یافته‌های گل و همکاران (۲۰۱۸)، چنگ و همکاران (۲۰۱۷)، حسنی القار و سـدیدی (۱۳۹۶) و فرانک و ابلوج (۲۰۱۴) هم سویی دارد. چنگ و همکاران (۲۰۱۷) به صورت تجربی نشـان دادند که هنگامی که شرکت‌ها در شرایط آشـفتگی مالی قرار دارد، مدیران دارای سـطح بالای توانایی، می‌توانند اقداماتی را انجـام دهند که منجر به افزایش ثروت متعلق به خود گردیـده و منافع سـهامداران را کاهش می‌دهند. همچنین به گفته فرانـک و ابلوج (۲۰۱۴)، در شـرایط آشفتگی مالی، مدیران دارای توانایی، فروش درون سازمانی را افزایش می‌دهند و شرایط قرارداد را به منظور افزایش پرداخت‌های خود، دستکاری می‌نمایند.

۵. نتیجه‌گیری و بحث

هـدف اصلی این پژوهش، بررسـی رابطـه توانایی مدیریـت و حق‌الزحمه حسابرسـی و اثر تعدیل‌کنندگی آشـفتگی مالی شرکت‌ها بر این رابطه می‌باشـد. استدلال وجود رابطه منفی بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسـی از وجود رابطه بین کیفیت گزارشـگری مالی و ریسک

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

حسابرسی منتج می‌گردد. پژوهش‌های متعددی پیرامون ارتباط میان ریسک حسابرسی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی وجود دارد که نشان می‌دهد بین ریسک حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط مثبتی وجود دارد (های و همکاران، ۲۰۰۱). مدیران توانمندتر می‌توانند ریسک عدم موفقیت شرکت را کاهش دهند (کریشنان و وانگ، ۲۰۱۵). دمیرجان و همکاران (۲۰۱۳) اعتقاد دارند که بر اثر افزایش توانایی سهامداران و وام‌دهندگان در کنترل و تحت نظر گرفتن فعالیت مدیران منجر به کاهش هزینه‌های پایش مدیریت و در نتیجه کاهش ریسک گزارشگری مالی و هزینه‌های تأمین مالی شرکت می‌شود. ریسک گزارشگری مالی یکی از مهمترین عوامل ریسک مؤثر بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی است. بنابراین، توانایی مدیریت با کاهش ریسک گزارشگری مالی موجب کاهش حق‌الزحمه حسابرسی پرداختی می‌شود (کریشنان و وانگ، ۲۰۱۵).

مطالعه ادبیات موضوعی نشان می‌دهد در فرایند حسابرسی، عوامل ریسک صاحبکار با حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط دارد. چرا که این عوامل بر فعالیت‌های اجرا شده حسابرس طی فرایند حسابرسی تأثیرگذار است. با توجه به این جوانب، توانایی مدیریت ریسک کار حسابرسی را کاهش می‌دهد و حسابرسان نیز از این طریق حق‌الزحمه کمتری مطالبه می‌کنند (کریشنان و وانگ، ۲۰۱۵).

طبق یافته‌های بیسانست و ورانسنا (۲۰۰۹)، هنگامی که شرکت‌ها با شرایط دشواری مواجه می‌باشند، مدیران تحت تأثیر قرار گرفته و اقداماتی را انجام می‌دهند که انتظارات بازار را پوشش داده و مزایای کوتاه‌مدت خود را نیز افزایش دهند. به باور ولف و هرمانسون (۲۰۰۴)، هنگامی که شرکت‌ها در شرایط آشفتگی مالی قرار می‌گیرد، ویژگی‌ها و توانایی‌های ذاتی مدیریتی به مدیران اجازه می‌دهد که یک فرصت تقلب را شناسایی کنند. این یافته‌ها موید آن است که با افزایش احتمال آشفتگی مالی، کیفیت گزارشگری مالی کاهش پیدا کرده و در ادامه ریسک گزارشگری مالی افزایش یافته که می‌توان انتظار مطالبه حق‌الزحمه بالاتری از حسابرسان را داشت.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که اولاً، شرکت‌های دارای مدیران تواناتر، حق‌الزحمه حسابرسی کمتری پرداختند. این یافته، با نتایج یافته‌های کریشنان و وانگ (۲۰۱۵)، دهکردی و حیدری (۱۳۹۶) و حسنی القار و سدیدی (۱۳۹۶) همسو می‌باشد. همانگونه که در ادبیات پژوهش اشاره شده بود، با افزایش توانایی مدیریت، کیفیت گزارشگری مالی افزایش یافته و در نتیجه، ریسک شرکت کاهش می‌یابد. نقطه تمایز این پژوهش، نتایج دیگر این پژوهش بررسی وجود احتمال آشفتگی مالی شرکت‌ها بر رابطه بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی است که در پژوهش‌های داخلی گذشته مورد بررسی قرار نگرفته بود. این یافته‌ها نشان داد، در شرکت‌هایی که احتمال آشفتگی مالی دارند، رابطه منفی بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی تضعیف می‌گردد. تفسیر این نتایج این است، هنگامی که شرکت‌ها در شرایط آشفتگی مالی قرار دارد، مدیران از توانایی خود سوء استفاده می‌کنند که این نتایج به صورت غیرمستقیم در راستای نتایج عزیزخانی و همکاران (۱۳۹۵) می‌باشد. نتایج پژوهش آنها نشان داد که گردش

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

اجباری حسابرس موجب افزایش حق‌الزحمه حسابرسی نمی‌شود. به عبارت دیگر، توانایی مدیریت عامل مهمتری از چرخش اجباری حسابرس می‌باشد.

شـواهد این پژوهش می‌توانـد ادبیات مرتبط بـا توانایی مدیریت، حق‌الزحمه حسابرسـی و آشـفتگی مالی را گسـترش دهد. بعلاوه، شـواهد این پژوهش می‌تواند به وسیله شرکاء و مدیران حسابرسـی و مدیران شرکت‌ها مورد اسـتفاده قرار بگیرد. مدیران و شرکای حسابرسی شرکت‌ها، باید در هنگام حسابرسـی صورت‌های مالی، به احتمال آشـفتگی مالی شـرکت‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشند. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود که برای سنجش آشفتگی مالی از سایر مدل‌ها و معیارهـای آن اسـتفاده کنند. علاوه براین، حق‌الزحمه حسابرسـی، یکی از معیارهای ریسـک گزارشـگری مالی می‌باشد. نتایج پژوهش عبدی و همکاران (۱۳۹۷) نیز نشان داد که حسابرسان معمولاً از سه استراتژی حق‌الزحمه حسابرسی، ارائه اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت و برکناری از پروژه حسابرسی برای پوشش ریسک حسابرسی استفاده می‌کنند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود کـه در پژوهش‌های آتی، رابطه توانایی مدیریت بـا ارائه اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت و تغییر حسابرس را مورد مطالعه قرار دهند.

محدودیت اصلی در این پژوهش، عدم دسترسـی به متغیر حق‌الزحمه حسابرسـی بسیاری از شرکت‌ها می‌باشد که موجب کاهش شدید تعداد شرکت‌های نمونه گردید. همچنین برای سنجش آشـفتگی مالی مدل‌های متنوع وجود دارد که موجب می‌شود در تعمیم نتایج حاصل از پژوهش، این موضوع مورد توجه قرار گیرد.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. احمدپـور، احمد؛ شهسـواری، معصومه؛ عمـوزاده خلیلی، علیرضا. (۱۳۹۶). بررسـی عوامل مؤثر بر ریسـک ورشکستگی مالی شرکت‌ها، مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۳، شماره ۵۱، ۹-۳۴.

۲. ایمانی برندق، محمد؛ عبدی، مصطفی؛ کاظمی علوم، مهدی. (۱۳۹۶). بررسـی تأثیر تنوع جنسیتی در کمیتهٔ حسابرسـی بر حق‌الزحمهٔ حسابرسـی شـرکت‌های پذیرفته شـده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسـی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۲۴، شماره ۳، ۳۰۳-۳۲۲.

۳. بزرگ اصل، موسـی و صالح زاده، بیسـتون. (۱۳۹۴). رابطه توانایی مدیریت و پایداری سـود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریانهای نقدی در شـرکت‌های پذیرفته شـده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، سال ۱۴، شماره ۵۸، صص ۱۵۳-۱۷۰.

۴. بزرگ اصل، موسـی؛ صالح زاده، بیسـتون. (۱۳۹۳). توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی، دانش حسابداری، سال ۵، شماره ۱۷، ۱۱۹-۱۳۹.

۵. بنی‌مهد، بهمن؛ عربی، مهدی؛ حسـن‌پور، شـیوا. (۱۳۹۵). پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسـی در حسابداری، تهران، انتشارات ترمه.

۶. پورحیدری، امید؛ کوپائی‌حاجی، مهدی. (۱۳۸۹). پیش‌بینی بحران مالی شرکت‌ها با استفاده از مدل مبتنی بر تابع تفکیکی خطی، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۲، شماره ۱، ۳۳-۴۶.

۷. پورحیدری، امید؛ گل‌محمدی شـورکی، مجتبی. (۱۳۹۴). تأثیر ریسک وضعیت مالیاتی شرکت بر حق‌الزحمهٔ حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۲۲، شماره ۳، ۳۰۱-۳۱۸.

۸. پیری، پرویز؛ حمزه، دیدار؛ خدایاریگانه، سـیما. (۱۳۹۳). تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشـگری مالی در

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

طول چرخهٔ عمر شـرکت‌های پذیرفته شـده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۶، شماره ۳، ۹۹-۱۱۸.

۹. حسـاس‌یگانه، یحیی؛ برزیده، فرخ؛ تقوی‌فرد، محمد تقی؛ فرهمند سـیدآبادی، محمد. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر گردش اجباری مؤسسـه‌های حسابرسـی بر حق‌الزحمهٔ حسابرسـی و رقابت در بازار حسابرسـی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۲۳، شماره ۳، ۳۳۳-۳۵۲.

۱۰. حسـاس‌یگانه، یحیی؛ حسـنی‌القار، مسـعود؛ مرفوع، محمد. (۱۳۹۴). بیش‌اطمینانی مدیریـت و حق‌الزحمهٔ حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۲۲، شماره ۳، ۳۶۳-۳۸۴.

۱۱. حسـنی القار، مسعود؛ سـدیدی، مهدی. (۱۳۹۶). بررسـی تأثیر توانایی مدیریت بر حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال ۶، شماره ۲۴، ۷۹-۹۴.

۱۲. حسـنی القار، مسعود؛ شـعری آناقیر، صابر. (۱۳۹۶). بررسـی تأیید توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی، دانش حسابداری، سال ۸، شماره ۱، ۱۰۷-۱۳۴.

۱۳. درخشی، رضا؛ بادآورنهدی، یونس و برادران حسن زاده، رسول. (۱۳۹۴). تأثیر ساختار مالکیت و ساختار مالی بر حق‌الزحمه حسابرسی، دانش حسابرسی، سال ۱۵، شماره ۶۰، صص ۹۳- ۱۱۳.

۱۴. صفری گرایلی، مهدی؛ رضایی پیته نوئی، یاسـر. (۱۳۹۷). توانایی مدیریت و خوانایی گزارشـگری مالی: آزمون نظریه علامت‌دهی، دانش حسابداری، سال ۹، شماره ۲، ۱۹۱-۲۱۸.

۱۵. عبدی، مصطفی؛ زلقی، حسن؛ کاظمی علوم، مهدی. (۱۳۹۷). رابطه محافظه کاری با استراتژی‌های حسابرسان به منظور مواجهه با ریسک صاحبکار، دانش حسابداری مالی، سال ۵، شماره ۱، ۱۰۱-۱۲۵.

۱۶. عزیزخانی، مسـعود؛ داغانی، رضا و احمدیان، مژگان، (۱۳۹۵)، تأثیر سیاسـت چرخش اجباری حسـابرس بر حق‌الزحمه حسابرسـی، شـواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسـی، سال ۱۶، شماره ۶۴، صص ۴۳- ۶۲.

۱۷. علـی نژاد سـاروکلائی، مهدی؛ تارفی، سـتاره. (۱۳۹۶). تأثیر توانایی مدیریت بر سیاسـت تأمین مالی، دانش حسابداری، سال ۸، شماره ۲، ۱۵۹-۱۸۰.

۱۸. فرج زاده دهکردی، حسـن؛ حیدری، ناهید. (۱۳۹۶). بررسـی رابطه توانایی مدیریت با حق‌الزحمه و اظهارنظر حسابرسی پیرامون تداوم فعالیت، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال ۶، شماره ۱، ۲۲۱-۲۳۹.

۱۹. کمالی منفرد، شـیما؛ علی احمدی، سعید. (۱۳۹۶). تأییرتوانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت با استفاده از روش تحلیل پوششی داده، دانش حسابداری، سال ۸، شماره ۱، ۱۳۵-۱۵۴.

۲۰. لاری‌دشـت‌بیاض، محمود؛ اورادی، جواد. (۱۳۹۶). بررسـی رابطهٔ بین دورهٔ تصدی و دانش مالی مدیرعامل با حق‌الزحمهٔ حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۲۴، شماره ۱، ۸۱-۱۰۲.

۲۱. نیکبخت، محمدرضا؛ تنانی، محسـن. (۱۳۸۹). آزمون عوامل مؤثر بر حق‌الزحمهٔ حسابرسـی صورت‌های مالی، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۲، شماره ۲، ۱۱۱-۱۳۲.

ب- منابع انگلیسی:

1. Abbott, L., Parker, S., Peters, G., Raghunandan, K. (2003). The Association between Audit Committee Characteristics and Audit Fees. Auditing, A Journal of Practice and Theory, 22(2), 17- 32.
2. Baik, B.O.K., Farber, D.B., Lee, S.S. (2011). CEO ability and management earnings forecasts. Contemporary Accounting Research, 28(5), 1645-1668.
3. Bamber, L., J, Jiang., I, Wang. 2010. What's my style? The influence of top managers on voluntary corporate financial disclosure. The Accounting Review 85 (4), 1131–1162.
4. Beasley, M. S., J. V. Carcello, D. R. Hermanson, and T. Neal. (2010). Fraudulent Financial Reporting 1998–2007: An Analysis of U.S. Public Companies. Durham, NC: COSO of St. Gallen, Switzerland.
5. Bedard, J.C., Johnstone, K.M. (2004). Earnings manipulation risk, corporate governance

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

risk, and auditors' planning and pricing decisions. The Accounting Review, 79 (2), 277-304.

6. Bentley, K.A., Omer, T.C., Sharp, N.Y. (2013). Business strategy, financial reporting irregularities, and audit effort. Contemporary Accounting Research, 30(2), 780-817.
7. Besancenot, D., and R. Vranceanu. (2009). Strategic managerial dishonesty and financial distress. Research in Economics, 63 (1), 11–21.
8. Carmeli, A., Tishler, A. (2004). Resources, capabilities, and performance of industrial firms: A multivariate analysis. Managerial Decision Economics, 25 (1), 299-315.
9. Chen, Y., Gul, F., Veeraraghavan, M., Zolotoy, L. (2015). Executive equity risk-taking incentives and audit service pricing. The Accounting Review, 90(6), 2205-2234.
10. Cheung, K. T. S., D. Naidu, F. Navissi, and K. Ranjeeni. (2017). Valuing talent: Do CEOs' ability and discretion unambiguously increase firm performance. Journal of Corporate Finance 42 (1), 15–35.
11. Dellaportas, S. (2013). Conversations with inmate accountants: Motivation, opportunity and the fraud triangle. Accounting Forum, 37 (1), 29–39.
12. Demerjian, P., B. Lev, and S. McVay. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. Management Science 58 (7), 1229–1248.
13. Demerjian, P., B. Lev, M. Lewis., S. McVay. (2013). Managerial ability and earnings quality. The Accounting Review, 88 (2), 463–498.
14. Denis, D., Denis, D. (1995). Causes of financial distress following leveraged recapitalizations. Journal of Financial Economics, 37(2), 129-157.
15. Dit fees and section 404 material weaknesses. A Journal of Practice & Theory, 30(2), 173-200.
16. Ferdinand A. Gul, Mehdi Khedmati, Edwin KiaYang Lim., Navissi, Farshid. (2018). Managerial Ability, Financial Distress, and Audit Fees. Accounting Horizons, 32(1), 29-51.
17. Francis, J.R. (1984). The effect of audit firm size on audit prices: A study of the Australian market. Journal of Accounting and Economics, 6(2), 133- 151.
18. Frank, D., and T. Obloj. (2014). Firm-specific human capital, organizational incentives and agency costs: Evidence from retail banking. Strategic Management Journal, 35 (9), 1279–1301.
19. Fuad, N, S. (2017). The Impact of Audit Committe Charecteristics Financial Distress. Diponegord Journal of Accounting, 6(2), 1-9.
20. Ge, W., D. Matsumoto., J. Zhang. (2011). Do CFOs have style? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices. Contemporary Accounting Research, 28 (4), 1141–1179.
21. Gilbert, L. R., Menon, K., Schwartz, K. B. (1990). Predicting bankruptcy for firms in financial distress. Journal of Business Finance and Accounting, 17(1), 161-171.
22. Goodwin, J., Kent, P. (2006). Relation between External Audit Fees, Audit Committee Characteristics and Internal Audit. Accounting and Finance, 46(3), 387–404.
23. Gordon, M.J. (1971). Toward a theory of financial distress. The Journal of Finance, 26 (2), 347-356.
24. Hay, D. C., W. R. Knechel., Wong, N. (2006). Audit fees: A meta-analysis of the effect of supply, forecasts. Contemporary Accounting Research, 28(5), 1645-1668.
25. Hoag, M.L., Hollingsworth, C.W. (2011). An intertemporal analysis of audit fees and section 404 material weaknesses. A Journal of Practice & Theory, 30(2), 173-200.
26. Kalbers, L. P. & T. J. Fogarty. (1993). Audit committee effectiveness: An empirical investigation of th contribution of power, Auditing. A Journal of Practice & Theory, 12(1), 24-49.
27. Kalbers, L. P. & T. J. Fogarty. (1993). Audit committee effectiveness: An empirical investigation of th contribution of power, Auditing, A Journal of Practice & Theory, 12(1), 24-49.

www.SID.ir

Archive of SID

Downloaded from danesh.dmk.ir at 16:44 IRDT on Monday August 24th 2020

28. Krishnan, G., and C. Wang. (2015). The relation between managerial ability and audit fees and going concern opinions. Auditing: A Journal of Practice & Theory 34 (3): 139–160.
29. Krishnan, G., Wang, C. (2015). The relation between managerial ability and audit fees and going concern opinions. Auditing, A Journal of Practice & Theory, 34 (3), 139–160.
30. Krishnan, G.V. and Wang, C. (2015). The Relation between Managerial Ability and Audit Fees and Going Concern Opinions, Auditing: A Journal of Practice & Theory, American Accounting Association, 34(3): 139-160.
31. Krishnan, G.V., Wang, C. (2015). The Relation between Managerial Ability and Audit Fees and Going Concern Opinions, Auditing, A Journal of Practice & Theory, American Accounting Association, 34(3), 139-160.
32. Lee, Hye Seung (Grace), Xu Li, and Heibatollah Sami. (2015). Conditional Conservatism and Audit Fees. Accounting Horizons 29 (1), 83–113.
33. Outecheva, N. (2007). Corporate Financial Distress: An Empirical Analysis of Distress Risk.University
34. Palmrose, Z.V. (1986). Audit fees and auditor size: Further evidence. Journal of Accounting Research, 24(1), 97-110.
35. Sankaraguruswamy, S. & Whisenant, S. (2004). Pricing Initial Audit Engagements: Empirical Evidence Following Public Disclosure of Audit Fees. Working paper, University of Houston.
36. Seetharaman, A., Gul, F., and Lynn, S. (2002). Litigation risk and audit fees: Evidence from U.K. firms crosslisted on U.S. markets. Journal of Accounting & Economics, 33 (1), 91–115
37. Simunic, D. A. (1980). The pricing of audit services:Theory and evidence. Journal of Accounting Research, 18, 161-190.
38. Vafeas, N. & Waegelein, J. (2007). The Association between Audit Committees, Compensation Incentives, and Corporate Audit Fees. Review of Quantitative Finance and Accounting, 28(3), 241–255.
39. Ward, T. J. & Foster, B. P. (1997). A note on selecting a response measure for financial distress. Journal of Business Finance and Accounting, 24(6), 869-879.
40. Wolfe, D. T., and D. R. Hermanson. (2004). The fraud diamond: Considering the four elements of fraud. The CPA Journal 74 (12): 38–42
41. Xingze, W. (2012). Corporate governance and audit fees: Evidence from companies listed on the Shanghai stock exchange. China Journal of Accounting Research, 5(4), 321-342.

www.SID.ir